



یمن فقیرترین کشور عربی ۴ سال در برابر تجاوز ائتلاف سرمایه‌داران عرب و کشورهای غربی ایستادگی کرد و اکنون از موضع برتر در عمق عربستان تاسیسات حیاتی آن را هدف قرار می‌دهد

پیروز جنگ احزاب

از سوی سعودی‌ها تایید شد، ساعت ۶ تا ۶/۵ صبح روز سه‌شنبه به وقت محلی صورت گرفت و طی آن دو ایستگاه پمپاژ نفت متعلق به شرکت آرامکو در استان‌های «الدوادمی» و «عقیف» هدف قرار گرفت. اگر محل پرواز پهپادها را صعد یعنی شمالی‌ترین شهر یمن در نظر بگیریم، مسیر پرواز پهپادها بین ۸۰۰ تا ۸۵۰ کیلومتر بوده است. حالاً پس از این عملیات موفق و بااهمیت، انصارالله یمن به ائتلاف سعودی هشدار داده که قادر است عملیاتی بزرگ‌تر و گسترده‌تر در عمق کشورهای ائتلاف متجاوز عربی انجام دهد. به گفته یحیی سریع، سخنگوی ارتش یمن وابسته به انصارالله این عملیات بزرگ‌ترین عملیات در عمق عربستان از زمان آغاز تجاوز ائتلاف عربی به یمن بوده است. نکته قابل توجه در این عملیات، رصد دقیق و همکاری تعدادی از افسران مناطق تحت حمله قرار گرفته با ارتش یمن بوده است. یحیی سریع گفت: «ما قادریم عملیات گسترده‌تر و بزرگ‌تری در عمق کشورهای متجاوز انجام دهیم. راهکار بحرین، توقف تجاوز به یمن است.»

عملیات سه‌شنبه یکی از عملیات‌هایی بود که انصارالله آن را رسانه‌ای کرد اما منابع انصارالله می‌گویند آنان بیش از ۱۰ عملیات در عمق عربستان انجام داده‌اند که آن را اعلام نکرده‌اند.

اینکه چگونه کشور فقیری همچون یمن، توانسته است به پهپادهای پیشرفته‌ای دست پیدا کند که بدون شناسایی مأموریت خود را به درستی انجام می‌دهند، سوالی است که تاکنون بدون پاسخ مانده است. اما از این پهپادها جالب‌تر، سامانه پدافندی ارتش یمن است. سه‌شنبه شب و چند ساعت پس از عملیات پهپادی انصارالله، نیروهای مقاومت یمن موفق شدند یک پهپاد از نوع «MQ1» ساخت آمریکا را در آسمان یمن، منهدم کنند تا مشخص شود آنها در این سال‌ها به خوبی توانسته‌اند قابلیت‌های تهاجمی و تدافعی خود را افزایش دهند. اما یمن چرا برای عربستان و بسیاری از کشورهای منطقه از جمله ایران و حتی کشورهای فرامنطقه‌ای دارای اهمیت است؟ برای پاسخ به این سوال باید نگاهی به تاریخچه این کشور و تحولات جاری آن کرد.

فرهیختگان یمن فقیرترین کشور عربی و به تعبیری آفریقای عرب نیز شناخته می‌شود. این کشور در کمتر از ۷۰ سال استقلالش، چندین دوره درگیر جنگ‌های داخلی بوده است. برخلاف همسایه شمالی، درآمدهای ناچیز نفتی، یمن را در مسیر توسعه ناکام گذاشته و همین عدم توسعه یافتگی، از این کشور یک جامعه قبیله‌ای ساخته است. شاید همین تصویر از یمن باعث شد عربستان سعودی با تشکیل ائتلافی از کشورهای عربی و با حمایت کشورهای غربی، سال ۲۰۱۵ (فروردین ۹۴) به این کشور حمله کند تا ظرف چند هفته، با شکست نیروهای انصارالله، حکومت همسو با خود را در این کشور بر سر کار بیاورد. تقریباً تمامی تحلیلگران بین‌المللی با توجه به وضعیت اقتصادی یمن و درگیری‌های داخلی در این کشور و همچنین تجهیزات پیشرفته نظامی ائتلاف، شانس عربستان برای پیروزی را تقریباً قطعی می‌دانستند. اما دوماه بعد مشخص شد که تصور ورود به یمن و پایان دو یا سه هفته‌ای نبرد، تحلیل درستی نبوده است و سعودی‌ها درگیر یک جنگ فرسایشی شدند. برای فرماندهان نظامی سعودی که کوچک‌ترین تجربه‌ای از یک جنگ فرسایشی نداشتند، جنگ طولانی مدت یک کابوس بی‌پایان بود. این کابوس اما به حقیقت تبدیل شد و ارتش یمن در کنار کمیته‌های مردمی، نزدیک به چهار سال است در یک جنگ فرسایشی، عربستان سعودی و متحدانش را در باتلاق یمن درگیر کرده‌اند. با وجود تمامی جنایات سعودی در این جنگ چهار ساله و محاصره کامل یمن و ممانعت از انتقال کمک‌های غذایی و دارویی به این کشور، صنعا حاضر به تسلیم در برابر ائتلاف سعودی نشده و پس از چندین بار هدف قرار دادن مواضع حیاتی عربستان و امارات، به تازگی دور جدید عملیات‌های هدفمند را علیه متجاوزان ساماندهی کرده است. در تازه‌ترین اقدام روز سه‌شنبه ارتش یمن، با هفت پهپاد بمبی توانست ایستگاه پمپاژ نفت در عربستان سعودی را هدف قرار دهد. منابع یمنی معتقدند در این عملیات خط لوله‌ای را هدف قرار داده‌اند که وظیفه انتقال روزانه سه میلیون بشکه نفت را برعهده داشته است. این عملیات که پس از چند ساعت سکوت

۴ سال پس از تجاوز ائتلاف عربی

عربستان سعودی در حالی که درگیر پرونده‌های بحرن و سوریه بود، ناگهان با تحولی بزرگ در یمن و در مرزهای جنوبی خود مواجه شد. نیروهای انصارالله در اواخر سال ۲۰۱۴ توانستند کشوری با جمعیت ۲۶ میلیون نفر را تحت کنترل خود درآورند. این تغییر بزرگ در همسایگی سعودی‌ها موجب شد تمرکز آنها از درگیری‌های سوریه به یمن منتقل شود و عربستان را که بازیگری بزرگ در تحولات سوریه بود از این زمین بازی خارج کند. عربستان سعودی در ۲۵ مارس ۲۰۱۵ میلادی برابر ۶ فروردین ۱۳۹۴ حملات هوایی خود به یمن را آغاز کرد. این حملات در قالب ائتلافی از کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس شامل عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، بحرن و کویت بود و کشورهای اردن، مصر، مراکش و سودان نیز در آن مشارکت داشتند. این حمله «عملیات طوفان قاطعیت» نام داشت و قرار بود پس از سه هفته با شکست نیروهای انصارالله به پایان برسد اما این عملیات بعد از ۲۵۰۰ حمله هوایی با ناکامی روبه‌رو شد و از دوم اردیبهشت نامش به «عملیات احیای امید» تغییر یافت. عمان تنها کشور شورای همکاری خلیج فارس بود که در حمله به یمن شرکت نکرد. قطر نیز در سال ۲۰۱۷ به دلیل اختلافاتش با عربستان و امارات از این ائتلاف خارج شد. آمریکا، فرانسه، بریتانیا، رژیم صهیونیستی و ترکیه از جمله مهم‌ترین موافقان تهاجم ائتلاف عربی به یمن بودند و در مقابل ایران، روسیه، عراق و سوریه مخالفت خود را با این تجاوز اعلام کردند. در تجاوز چهارساله سعودی‌ها به یمن، بر اساس اعلام مرکز حقوق بشری توسعه «عین»، یمن مجموعاً شش‌هزار حمله ائتلاف عربی به یمن ۱۶ هزار نفر هستند که بیش از سه هزار آن‌ها را کودک و دوهزار نفر را زنان تشکیل می‌دهند. شمار زخمی‌ها نیز به ۲۴ هزار و ۹۶۷ نفر رسیده است. بر اساس این گزارش‌ها، در جریان حملات چهارسال گذشته ائتلاف سعودی حدود ۵۰۰ هزار گلوله موشک و خمپاره از راه زمین، دریا و هوا به یمن انجام گرفت و در جریان آن ۴۴۱ هزار و ۱۲۶ منزل مسکونی و هزار و ۱۹۷ مسجد ویران شد.

تحولات پس از سقوط صالح

عربستان سعودی و آمریکا، علی و عبدالله صالح را به‌عنوان حائلی در برابر القاعده می‌دیدند. اما طولانی شدن زمان اعتراضات در یمن و به دنبال آن تحولات موسوم به بهار عربی باعث شد آنها خواستار تغییرات سطحی برای فرونشاندن اعتراضات شوند. به دنبال این مسأله، با گریختن علی عبدالله صالح از یمن «عبدربه منصور هادی» معاون رئیس‌جمهور به‌عنوان فردی انتخاب شد که قرار بود حکومت انتقالی یمن را برعهده گیرد. هادی بر اساس طرح ریاض برای اداره یمن در انتخابات ریاست‌جمهوری بیست‌ویکم فوریه ۲۰۱۲ در حالی که تنها کاندیدای موجود در این انتخابات بود، توانست با کسب ۹۹ درصد از آرا به سمت ریاست‌جمهوری یمن برسد؛ دولت جدید اما در عمل تفاوت چندانی با حکومت قبلی نداشت و در اجرای شعارهایش نیز موفقیتی به دست نیاورد. با آغاز تظاهرات مجدد مردم یمن در سال ۲۰۱۴ در اعتراض به ناکامی دولت یمن و افزایش قیمت سوخت در این کشور، جنبش انصارالله با در اختیار گرفتن چند شهر در شمال یمن در سپتامبر، صنعا پایتخت را به تصرف خود درآوردند. این گروه تنها پنج ماه بعد و با دست یافتن به اطلاعاتی درباره تلاش منصور هادی برای تجزیه یمن به دو قسمت شمالی و جنوبی کاخ ریاست‌جمهوری را در ژانویه ۲۰۱۵ در اختیار گرفتند و هسادی و وزرای او را در حصر خانگی قرار دادند. منصور هادی به دنبال این اتفاق از پست خود به‌عنوان رئیس‌جمهور یمن استعفا داد و یک ماه بعد در ۲۱ فوریه ۲۰۱۵ از صنعا به عدن در جنوب یمن گریخت. عدن در آن زمان مرکز قدرت هادی به حساب می‌آمد. وی که پیشتر از مسئولیتش استعفا داده بود اعلام کرد استعفاش را پس گرفته و خود را رئیس‌جمهور یمن می‌داند. وی با استقرار دولت مستعفی یمن در این منطقه از طرف احزاب سوسیالیست، ناصری، سلفی و اصلاح (دارای گرایش اخوانی) حمایت شد و تلاش کرد با نیروهای نظامی و انتظامی وفادارش و شبه‌نظامیانی که تحت عنوان «کمیته‌های مقاومت خلق» فعالیت می‌کردند، مانع پیشروی انصارالله و نیروهای حامی آنها شود.

عربستان خوشبخت

یمن از گذشته ناحیه‌ای آباد و حاصلخیز بوده است و برای همین «عربستان خوشبخت» نامیده می‌شد. به دلیل باران‌های منظم و زمین‌های زیرکشت و کشاورزی، منطقه‌ای پررونق بوده است. این منطقه در سده ششم میلادی به تصرف سلسله ساسانیان ایران درآمد و تا زمان ظهور اسلام در تصرف آنان بود. یمن در سال ۱۷۵۰ میلادی جزء قلمرو دولت عثمانی شد و با سقوط امپراتوری عثمانی طی جنگ جهانی اول، در سال ۱۹۳۴ میلادی با انعقاد قراردادی با انگلستان به استقلال رسید. با استقلال یمن حکومت آن به سلسله امامان زیدی رسید که برای بیش از هزار سال به تناوب بر بخش‌های بزرگی از این کشور حکومت کرده بودند. سلسله امامان زیدی در سال ۱۹۶۲ با انقلاب افسران ملی‌گرای ارتش سقوط کرد. در این جنگ جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر با اعزام ۶۰ هزار نیرو از افسران ملی‌گرای ارتش حمایت می‌کرد. از سوی دیگر عربستان سعودی همسایه شمالی یمن نیز از ترس ملی‌گرایان از حکومت سلطنتی یمن پشتیبانی می‌کرد. این حمایت‌ها که منجر به جنگ‌های داخلی شدند از سال ۱۹۶۲ آغاز شدند و در سال ۱۹۷۰ پایان یافتند. در خلال این درگیری‌ها بود که یمن به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شد. این دو کشور در سال ۱۹۹۰ با یکدیگر متحد شدند. با اتحاد این دو کشور «علی عبدالله صالح» که از سال ۱۹۷۸ رئیس‌جمهور یمن شمالی بود توانست رئیس‌جمهور یمن یکپارچه شود. او که با وعده توانسته بود جنوبی‌ها را به اتحاد مجبور کند در سال ۱۹۹۴ با آنها درگیر شد و سرکوب‌شان کرد. ۱۰ سال بعد و در سال ۲۰۰۴ صالح درگیر جنگ‌های ۶ گانه با نیروهای شیعه زیدی انصارالله شد که معتقد بودند حکومت در حق آنان تبعیض روا داشته است. این درگیری‌ها تا سال ۲۰۱۰ طول کشید. یک سال بعد در سال ۲۰۱۱ و همزمان با آغاز تحولات موسوم به بهار عربی رئیس‌جمهور یمن اقدام به سرکوب معترضان کرد اما در سوم ژوئن ۲۰۱۱ میلادی، در حمله خمپاره‌ای به مسجد مجتمع ریاست‌جمهوری یمن، او دچار سوختگی و جراحات شد و به دنبال آن در ژانویه ۲۰۱۲ با ترک قدرت، یمن را نیز ترک کرد.

ایران و یمن

اهمیت استراتژیک یمن همواره مورد توجه ایران بوده و ایران همیشه برای این کشور اهمیت ویژه‌ای قائل بوده است. در زمان پهلوی، ایران دوهزار نیروی نظامی برای تربیت ارتش یمن به این کشور اعزام کرد. البته در آن زمان یمن جنوبی دولتی کمونیستی و تحت فرمان شوروی سابق بود و شاه ایران به دستور آمریکا که از نفوذ کمونیست‌ها نگران بود، یمن شمالی را تقویت می‌کرد. پس از پیروزی انقلاب، شیعیان زیدی که نزدیک به ۴۰ درصد جمعیت یمن را تشکیل می‌دادند و قائل به قیام بالسیف (قیام با شمشیر) بودند، به این نتیجه رسیدند که ایدئولوژی شان در ایران در حال پیاده‌سازی است و بر همین اساس تلاش کردند به ایران نزدیک شوند. اما علاوه بر این ایدئولوژیک، یمن دارای موقعیت ژئوپلیتیکی بی‌ظنیری نیز هست که برای ایران به‌ویژه در شرایط کنونی حائز اهمیت است. گسترش نفوذ جنبش انصارالله و تسلط بر تنگ راهبرد باب‌المنندب، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال انرژی در جهان و رگ حیاتی کشتیرانی در کانال سوئز، در کنار تسلط بر بندر الحدیده می‌تواند حاکمیت متحدان منطقه‌ای ایران را تقویت کرده و تردد دریایی از کانال سوئز و خلیج فارس را به کنترل درآورد که این موضوع چشم‌اندازی هشداردهنده برای طرف‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است که از نفوذ فرابنده ایران در منطقه نگرانند. علاوه بر این، بازار ۲۶ میلیونی یمن و نیاز به بازسازی این کشور می‌تواند فرصت بسیار مناسبی برای ایران در آینده نزدیک و پس از پایان تجاوز سعودی‌ها به این کشور باشد؛ اقدامی که قطعاً به نفوذ منطقه‌ای ایران کمک شایانی خواهد کرد.

ریاض نگران حزب‌الله دیگر؟

از زمان استقلال یمن، عربستان سعودی به این کشور به‌عنوان حیاط خلوت خود و محلی برای اجرای سیاست‌های بین‌المللی خود نگاه کرده است. عربستان در آن زمان به‌طور مداوم در امور داخلی این کشور مداخله داشته است. پس از پیروزی انقلاب ایران، عربستان نگران توسعه انقلاب ایران در کشورهای دیگر بود. این نگرانی در یمن با توجه به حضور چند میلیون شیعه زیدی بیش از سایر مناطق بود. ریاض معتقد بود تأثیرپذیری یمن از انقلاب ایران با توجه به حضور چند صد هزار نفر یمنی در خاک عربستان می‌تواند به عربستان نیز منتقل شود و سرنوشت خاندان آل سعود را تغییر دهد. بر همین اساس، ریاض بر گسترش وهابی‌گرایی در یمن سرمایه‌گذاری کرد. اما گسترش تبلیغات ضد شیعه برای وهابی‌گرایی به تهدیدی برای زیدی‌ها در یمن تبدیل شد و در دهه ۱۹۸۰، حسین بدرالدین الحوثی، در پی نگرانی و ترس از به حاشیه رانده شدن زیدی‌ها و گسترش وهابی‌گرایی، تصمیم گرفت کاری انجام دهد. گفته می‌شود او تحت‌تأثیر انقلاب اسلامی به تهران سفر کرد و پس از آن برخی دیدگاه‌های ایران در سیاست خارجی همچون مخالفت با آمریکا و اسرائیل تأثیر پذیرفته بود. و شروع به سازماندهی زیدی‌ها کرد و در دهه ۱۹۹۰ به‌عنوان یکی از نمایندگان پارلمان انتخاب و در نهایت در اولین دهه قرن ۲۱، به رهبر جنبشی تبدیل شد که به نام او نامگذاری شده بود. اقدامات ضد شیعه سعودی‌ها نتیجه معکوس داد و منجر به سازماندهی مستحکم شیعیان در یمن شد. عربستان در سال ۲۰۰۳ قدرتمندترین متحد خود یعنی صدام حسین را از دست داد؛ در سوریه اسد همچنان قدرت داشت و در لبنان، حزب‌الله سدی محکم در برابرش بود. محاسبات ریاض نشان می‌داد آنها در منطقه شکست خورده هستند و در این وضعیت تشکیل گروهی دیگر همانند حزب‌الله لبنان، این بار در مرزهای جنوبی، به معنای پایان زده‌هنگام آل سعود بود. این نگرانی باعث شد سعودی‌ها در کنار اهمیت جغرافیایی یمن برای آینده ریاض، انگیزه لازم برای جنگ در یمن را داشته باشند.

چرا یمن اینقدر مهم است؟

یمن دارای سواحل طولانی در دریای سرخ و خلیج عدن است و علاوه بر آن بر تنگه مهم باب‌المنندب نیز اشرف دارد. روزانه چهار میلیون بشکه نفت از این تنگه عبور می‌کند. همچنین این تنگه محل عبور سالانه حدود ۲۱ هزار کشتی حامل انواع کالاها نیز هست. اهمیت و توصیف تنگه باب‌المنندب در گزارش اداره اطلاعات انرژی آمریکا در نوامبر ۲۰۱۴ نیز این گونه بیان شده است: «تنگه باب‌المنندب یک گلوگاه یا نقطه راهبردی مهم میان شاخ آفریقا و خاورمیانه است و نیز این تنگه رابط راهبردی میان دریای مدیترانه و اقیانوس هند است. قسمت اعظم صادرات خلیج فارس که از طریق کانال سوئز عبور می‌کند از میان تنگه باب‌المنندب می‌گذرد.» در اهمیت این منطقه همین بس که اگر یمن اقدام به بستن تنگه باب‌المنندب کند، تانکرهای نفتی خلیج فارس از رسیدن به کانال سوئز و خط لوله سومد محروم می‌شوند و آنها باید به سمت دماغه جنوبی آفریقا منحرف شوند. این اتفاق سبب افزایش زمان و هزینه صدور نفت می‌شود؛ به علاوه، جریان نفت جنوبی اروپا و آفریقا دیگر نمی‌تواند مهم‌ترین مسیر مستقیم صدور کالا و نفت به بازارهای آسیا از طریق کانال سوئز و تنگه باب‌المنندب را طی کند. به‌جز موقعیت راهبردی یمن این کشور جمعیت بالایی دارد و تا پیش از جنگ نرخ رشد این کشور بالای سه درصد بوده است. جمعیت بالای یمن بازار مناسبی را برای صادرات در اختیار کشورهای هم‌پیمان آن قرار می‌دهد و همچنین این کشور در آینده به دلیل نیروی کار ارزان محلی برای جذب سرمایه‌گذاری و نیز صادرات کالا به آفریقا خواهد بود. یمن تا پیش از آغاز تجاوز عربستان و ائتلاف عربی - آمریکایی به این کشور روزانه ۳۰۰ هزار بشکه نفت صادر می‌کرد اما سال گذشته میلادی شبکه اسکای نیوز آمریکا افشا کرد که بزرگ‌ترین منبع نفت جهان در یمن قرار دارد که بخش کوچکی از آن در عمق ۱۸۰۰ متری در عربستان در منطقه مرزی به نام الجوف واقع است. مجموع این ویژگی‌ها سبب شده تسلط بر یمن، آرزوی سعودی‌ها باشد.

تاریخ	وسیله حمله	محل اصابت	مسافت	توضیحات	تاریخ	وسیله حمله	محل اصابت	مسافت	توضیحات
۲۷ اکتبر ۲۰۱۶ (۱۶ آبان ۱۳۹۵)	موشک بالستیک برکان	فرودگاه ملک عبدالعزیز در جده	بیش از ۷۰۰ کیلومتر						
۴ نوامبر ۲۰۱۷ (۱۳ آبان ۱۳۹۶)	موشک برکان	فرودگاه بین‌المللی ریاض	۹۰۰ کیلومتر	در ۲۶ و ۲۷ فروردین و ۴ تیر ۹۷ نیز بار دیگر فرودگاه بین‌المللی ریاض و همچنین مقر وزارت دفاع عربستان مورد هدف قرار گرفتند					
۳ دسامبر ۲۰۱۷ (۲۷ آذر ۱۳۹۶)	موشک کروز	تاسیسات اتمی در حال ساخت «البراکه» در منطقه ابوظبی	۱۶۰۰ کیلومتر						
۲۹ دسامبر ۲۰۱۷ (۲۸ آذر ۹۶)	موشک برکان	کاخ الیمامه ریاض	۹۰۰ کیلومتر	این کاخ محل اقامت محمد بن سلمان ولیعهد سعودی است					